یک کتاب، یک نویسنده: گفت‌وگوی احمد غلامی با محمدجواد غلامرضاکاشی به مناسبت انتشار کتاب «سیاستی دیگر، خلق جهان مشترک ایرانی»

مانیفست شکست روشنفکران



عکس: سفینه‌آرا خرازی

ایده اصلی کتاب «سیاستی دیگر، خلق جهان مشترک ایرانی»، احداث «خانه» است. جامعه به‌مثابه خانه؛ خانه‌ای که همه طیف‌ها و سلیقه‌ها با اهداف و آرمان‌های متفاوت را در بر می‌گیرد و ازقضا این ایده در برابر بازگشت به خانه، قرار دارد. محمدجواد غلامرضاکاشی بارها دیده بودم و یکی از صدای‌های جدی این رویکرد، ایده بازگشت به خانه است. به اعتقاد کاشی جامعه آرمانی و بی‌کم‌وکاستی در گذشته وجود نداشته است که ما طالب بازگشت به آن باشیم. بازگشت به خانه رویکردی ایده‌آلوژیک به جامعه است که درصدد است اختلافات و تناقضات را نادیده بگیرد. غلامرضاکاشی باور دارد مدت مدیدی است که روشنفکران و نخبگان سیاسی زندگی روزمره ما را نادیده گرفته‌اند. در حالی که سیاست از دل همین زندگی روزمره می‌جوشد. بنابراین غلامرضاکاشی می‌خواهد با احداث خانه و با رویکردی غیرایده‌آلوژیک به حل طالب مشترک بین ایرانیان بزند. جامعه‌ای که به وسیله مردم ساخته شده و قادر است قدرت را تحت تأثیر قرار دهد و دقیق‌تر، خواسته‌های خود را به صاحبان قدرت القا نماید. کاشی به معنای واقعی ضد اتوپیاست، اما جامعه‌ای که خود او سودایش را در سر می‌پروراند اتوپیایی است. در دیدار با خبرنگار «شرق» منتشر شده و در فاصله کوتاهی به چاپ دوم و سوم رسیده و بحث‌هایی را در میان صاحب‌نظران برانگیخته، به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

اخیرا کتابی از شما با عنوان «سیاستی دیگر؛ خلق جهان مشترک ایرانی» در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی در نشر اگر منتشر شده که در فاصله کوتاهی تجدیدچاپ شده است. ایده و یا محور اصلی این کتاب چیست و روی چه مسئله‌ای تمرکز دارد؟

به طور خلاصه مضمون اصلی کتاب توجه‌دادن به دوسویگی مفهوم قدرت است. معمولا قدرت در ادبیات و حافظه سیاسی ما خیلی قدرت مردانه دارد و معمولا آن را با زور، دستگاه‌های فرماندهی، ارکان‌های کنترل، نیرو و توانمندی‌های نظامی می‌فهمیم که البته این‌ها به طور طبیعی، قطعا وجهی از قدرت هستند؛ ولی من امسیش را سویه مردانه قدرت می‌گذارم. سویه‌ای که معمولا با ویژگی‌های جدی و سویه مردانه تلاش می‌کند مرتبط با زور، وفاق و مناسباتی برمی‌گردد که به طور طبیعی در زندگی روزمره شکل می‌گیرد. مدعای من این است: شاکلی قدرت به زور تبدیل نمی‌شود و می‌تواند تبدیل به اقتدار شود و پایداری پیدا کند که سویه‌های مردانه و زنانه توأمان با هم در یک وضعیت سیالی حضور داشته باشند. وقتی که سویه زنانه دیده نمی‌شود و سویه مردانه تلاش می‌کند مرتبط با زور همه‌چاکر کند، قدرت به زور تبدیل می‌شود. جامعه فاقد اقتدار می‌شود و پایداری حیاتی سیاسی را دست می‌دهد. این چکیده مختصری از مضمون اصلی کتاب است.

به دو سویه قدرت اشاره کردید اما در کتاب بیشتر با سویه زور روبه‌رو هستیم و سویه آول غایب است. یعنی با غیاب قدرت و با تبعیت اما غیاب قدرت مردانه؛ روبه‌رو هستیم که اما این تعابیر در کتاب وجود ندارد و اال در مقام تفسیر آنها را که باردید. در کتاب بیشتر با دوگانه خانه و اال در مقام تفسیر آنها را که باردید. در کتاب بیشتر با دوگانه خانه و اردوگاه، فاطر باز؛ در این ماین شما بیش از همه به بحث بازگشت به خانه را تجربه کرده، استعاره احداث خانه. واجه ویژگی‌هایی دارد که با خصوریت‌های باعث می‌شود به خانه فکر کنیم؟

در کتاب، از سیویه‌های زنانه و مردانه با تعبیر سویه‌های عمومی و اقلیمی قدرت یاد کرده‌اام. اما در مورد مقوله بازگشت، بحث استعاره است. فرض کنید این به است که فرهنگ سیاسی ما، به قول ژیژک «Deep Fantasy» یعنی مبتنی بر فانتزی‌های عمیق است که مخلیه سیاسی ما را می‌سازد. این فانتزی‌ها چگونه شکل گرفته‌اند؟ آن تصمیم‌ها اتجه از دست رفته استوار بوده است. ایده بازگشت به خانه، یک جور فهم نکته‌ی این موضوع را با تلویزیون دارد. اشاره کرده‌ام که حر و زیر این سرمایهٔ عینی آماده بیشتر است و وجود دارد و کافی است ما خودمان را از اشتغالات و الگوهای ذهنی دنیای امروز خلاص کنیم و به این خانه‌ها برگردیم. بعضی سرمایه‌ای وجود دارد و حاال یک فرض بازگشت می‌دهد که ما بی‌این هستیم که به این موضوع فکر کنند که در منطق فکری و جوهر خیالی‌ان از خانه‌های که سکونت‌شان ترمیمی‌شان در آن تصمین‌شده